

بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری و دین‌داری نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴

پریخ امامی*؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی

مرجان زرنندی؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی

امین نظام دلفار دی؛ پزشک و مشاوره خانواده

مقدمه: دین یکی از مهم‌ترین نظامهای ارزشی در هر جامعه است که برای استواری و تداوم حیات خود نیاز به بازتولید در نسلهای بعدی دارد. دین سنگ بنای نظم اجتماعی بوده و منبعی مهم برای ارزشهای اجتماعی و گزینشهای فردی است. اما میزان گرایش به دین در جوامع مختلف همیشه به یک شکل و میزان مشخص نبوده و روندهای مختلفی را طی نموده و جامعه ایران نیز از این تغییرات و تحولات مستثنی نیست. هرچند که عوامل مختلفی بر فرایند دینداری افراد تاثیرگذار می‌باشد، اما می‌توان خانواده را از مهم‌ترین عوامل موثر بر دینداری افراد دانست. خانواده نخستین خاستگاه هر فرد بوده و نقش آن در جامعه‌پذیری فرزندان و تربیت آنان برای ایفای نقش‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. فرزندان در خانواده‌های مختلف و با روشها و سبکهای مختلفی پرورش یافته و تربیت می‌گردند. الگوهای کنش متقابل اجتماعی در درون خانواده ممکن است مدل‌های ناخواسته‌ای را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان یعنی زمانی که به بلوغ و دوران نوجوانی می‌رسند، فراهم ساخته و این سبکهای تربیتی متفاوت در خانواده‌ها بر انتقال ارزشها و هنجارها به نسلهای آتی موثر می‌باشد. هر خانواده‌ای جهت انتقال فرهنگ و تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که این روش‌ها، شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند که متاثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد. شیوه‌های فرزند پروری مجموعه‌ای از رفتارها و تعاملات والد - کودک در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها بوده و ساختارهای ارتباطی است که کیفیت روابط خاص بین والدین و کودک را توصیف نموده و یک عامل تعیین کننده و اثرگذار در رشد و شکل‌گیری هویت کودکان می‌باشد. ماهیت سبک تربیتی مورد استفاده والدین در دوره‌ی کودکی تاثیر بسیار زیادی بر روابط والدین - نوجوانان در آتی و رفتارهای فرد و ارزشهای وی در بزرگسالی دارد. از جمله این سبکهای تربیتی، سبکهای تربیتی سختگیر، سبک تربیتی سهل‌گیر و سبک تربیتی آشفته می‌باشد. هر یک از این سبکهای فرزندپروری تاثیر مستقیمی بر نحوه انتقال ارزشها و هنجارها داشته و تحقیقات متعدد رابطه تنگاتنگ دین به عنوان یک ارزش اجتماعی با تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را تأیید نموده است. در این پژوهش به بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری و میزان دینداری در بین نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴ پرداخته شده است.

روش: این پژوهش از نوع پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه است. در بخش اسنادی نیز از منابع مختلف از جمله کتابها، مقالات، مجلات و سایتهای اینترنتی استفاده شده است. جامعه آماری، دانش آموزان سنین ۱۲ تا ۱۵ سال شهر اصفهان بوده و حجم نمونه ۳۰۰ نفر بر اساس محاسبات آماری مشخص شده است. پس از جمع آوری اطلاعات، در بخش آمار استنباطی و استفاده از نرم افزار SPSS، از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس یکراهه و آزمونهای تقییبی استفاده شده است.

یافته ها: جهت آزمون فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون شده است و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین میزان پایبندی دینی والدین و دینداری نوجوانان رابطه مستقیم وجود دارد اما ارتباط معنی داری بین سبک تربیتی سختگیر و دینداری وجود ندارد. یافته های تحقیق نشان می‌دهد بین سبک تربیتی سهل‌گیر و آشفته با دینداری رابطه معنی دار وجود دارد که جهت رابطه معکوس می‌باشد به طوری که با افزایش سبک تربیتی سهل‌گیر و آشفته، دینداری نوجوانان کاهش می‌یابد لکن رابطه بین سبک تربیتی سالم و دینداری نوجوانان به صورت مستقیم تأیید گردید.

بحث و نتیجه گیری: این پژوهش نشان می‌دهد حیات دینی همچنان به شکل پویا و در سطح وسیعی از جامعه جریان دارد و افراد زیادی با دین مأنوسند و دین از دغدغه های اصلی آنها محسوب می‌شود. از طرفی دین یک واقعیت اجتماعی است که به صورت اجتماعی برساخته می‌شود و از آنجا که ساخت واقعیت اجتماعی ثابت نیست و روز به روز در حال تغییر و تبدیل است، پس ساخت دینداری نیز در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و در زمان‌ها و شرایط مختلف صورتهای مختلفی پیدا می‌کند. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر دینداری نوجوانان، سبکهای فرزندپروری است که والدین آنها را به کار می‌برند. در سبک تربیتی سختگیر، والدین بر کنترل کودک و فرمانبرداری او تأکید داشته و خودمختاری کودک را محدود کرده و رفتار مناسب را برای آنها تعیین می‌کنند. این والدین از اصول اجباری طرفداری کرده و معمولاً خواستار تبعیت بدون پرسش از دستوراتشان هستند. در مقابل، در سبک تربیتی سهل‌گیر، والدین از اعمال هر نوع سخت‌گیری و کنترل اجتناب کرده و به فرزندان خود در سنی که آنان ظرفیت چنین کاری ندارند، اجازه می‌دهند برای خود تصمیمات بسیاری بگیرند. این کودکان بسیار پرتوقع شده و در مقابل کوچکترین موضوع مخالف نظر خود واکنشهای تند و نافرمانی نشان می‌دهند. سبکهای فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر در دو سوی یک پیوستار قرار می‌گیرند و سبک فرزندپروری سالم در جایی بین آن دو قرار می‌گیرد. والدینی که این سبک را به کار می‌برند توجه خوبی به فرزند خود نشان می‌دهند و میزان کنترل والدینی متوسطی دارند که به کودکان اجازه می‌دهد به طور فزاینده ای خود مختار شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین دینداری و سبک فرزندپروری سالم رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد و رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدر با دینداری تأیید نشد. با توجه به وجود رابطه بین سبکهای فرزندپروری و دینداری نوجوانان، ضروری است والدین با دریافت آموزشهای لازم با انواع سبکهای فرزندپروری آشنا شده تا زمینه برای پرورش نسلی که به ارزشهای دینی اهمیت می‌دهد، مهیا گردد.

جهت تهیه فایل **WORD** این مقاله به سایت **DaneshResan.com** مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد



مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی
انجمن روان‌شناسی ایران - گروه تخصصی کودکان و نوجوانان

دومین کنفرانس سراسری روان‌شناسی کودکان و نوجوانان
2nd Congress on Child and Adolescent Psychology
(CCAP)

واژه های کلیدی: دین داری، سبکهای فرزندپروری، خانواده، تربیت فرزندان.